نشریه مطالعات هنر اسلامی
www.sysislamicartjournal.ir
Archive of SID

توصیفات(نمادهای) بصری آزادگی در اشعار محمد عفیفی مطر

محمدرضا سلمانی[1]، سندس کردآبادی[2*]

[1] گروه زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران morsalmani٦@gmail.com
[2*] (نویسنده مسئول) گروه زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، Sou.kordabady@iauctb.ac.ir

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی
شماره ۳۹
دوره ۱۷
صفحه ۲۱۱ الی ۲۲۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳
تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷
تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵
تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی
شعر معاصر عرب،
ادبیات مقاومت،
محمد عفیفی مطر،
جلوه‌های پایداری و آزادی.

ارجاع به این مقاله
سلمانی، محمد رضا، کردآبادی، سندس. (۱۳۹۹). توصیفات (نمادهای) بصری آزادگی در اشعار محمد عفیفی مطر. هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۲۱۱-۲۲۴.

dx.doi.org/10.22034/IAS.۲۰۲۰.۲۰۰۵۶۱.۱۰۱۳
www.SID.ir

چکیده

شعر و ادبیات همواره بازتابی از رویدادهای زندگی فردی و اجتماعی افراد است. از سوی دیگر نقش مهمی در ایجاد انگیزش دارد، لذا شعر در دوره‌های مختلف تاریخی در عین حال که ابزاری برای بیان احساسات بوده است، قدرت زیادی نیز در ایجاد انگیزه در عرصه‌های مختلف داشته است. مصر از یکی از کشورهایی است که در دوره معاصر مجموعه پیچیده از رویدادهای داخلی و خارجی را تجربه کرده است. مسئله‌ای که می‌توان اینجا مطرح کرد، بازتاب این تحولات و نوع مواجهه با آن در اشعار شاعران معاصر مصری مانند محمد عفیفی مطر است. عفیفی مطر از شاعران متعهد مصر در دوره معاصر است که با بن‌مایه‌های پایداری علیه استبداد داخلی و ظلم و ستم آن‌ها شعر سروده و جلوه‌های مقاومت با رویکرد آگاهی‌بخشی و ملی- میهنی و با تکیه بر وطن‌دوستی و ظلم‌ستیزی، مشخصه‌ی اصلی آثار و درون مایه اشعارش شده است. این مقاله با روش توصیفی – تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که مطر ساختار شعر نو را بر قالب کهن شعر ترجیح داده و این قالب را وسیله‌ای دلنشین برای بیان آرمان‌ها و اهداف خود برگزیده است. دیوان محمد عفیفی مطر سرشار از مضامینی چون برانگیختن مردم برای مبارزه با حاکمان ستمگر، میهن‌پرستی، عدم سکوت در برابر ظلم و ستم، لزوم خروج اشغالگران از مصر، امید به آزادی و از بین رفتن ظلم و جور و ... است. همین مسئله سبب شده است تا توصیفات بصری درباره آزادگی و مقاومت در اشعار او مشهود باشد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مضامین تشکیل‌دهنده اشعار محمد عفیفی مطر.

۲. تبیین و ترسیم نمادهای بصری آزادگی و پایداری در اشعار محمد عفیفی مطر.

سؤالات پژوهش:

۱. اشعار محمد عفیفی مطر دارای چه مضامینی است؟

۲. نمادهای بصری آزادگی و مقاومت چه جایگاهی در اشعار محمد عفیفی مطر دارند؟

2676-7759/ © 2020 Islamic Art Press. This is an open access article under the CC BY license (http://creativecommons.org/licenses/BY/4.0/)

Archive of SID

مقدمه

ادبیات نقش مهمی در زندگی انسان دارد؛ این نقش از ایجاد انگیزش مورد نیاز در حیات فردی و اجتماعی انسان تا نقش مهمی که در ایجاد غریزه‌ی پایداری و تولید نیروی ایستادگی دارد، متغیّر است. در جهان معاصر یک نهضت ادبی در برابر امپریالیسم به وجود آمده است که تبدیل به پدیده‌ای جهانی شده است. هنرمند امروزین جهان ما، در برابر امپریالیسم با جنگ‌افزار ادب خود، پایداری خطیر و حساسی را به جان می‌خرد. تحوّلات بزرگ و انقلاب‌های سرنوشت‌ساز تاریخ جوامع بشری، بنیان‌های سست گذشته را تخریب و بنیانی نو بر اساس تفکّرات و تحوّلات جدید پایه‌ریزی می‌کنند. در زندگی بشر، قلم سلاح توانمندی بوده است. محمد عفیفی مطر از جمله شاعران نوگرای مصر در دهه شصت میلادی است که در اشعار خویش نگاهی انتقادی به مسائل و قضایای جامعه مصر داشته است و از مخالفان سرسخت انور سادات، رئیس جمهوری اسبق مصر بود و به خاطر مخالفت با سیاست دولت وقت، دستگیر و در نهایت از کشور اخراج شد. وی به عنوان یک شاعر متعهد در نگاه عدالت‌جویانه خویش و در جستجوی جامعه‌ای عادلانه و انسانی و بهره‌مند از مواهب و کرامت‌های درخور آن، در اشعار خود بارها از ظلم و جور و ستم و تعدی، و نابرابری‌های اجتماعی سخن به میان آورده است. این پژوهش بر آن است که از خلال اشعار عفیفی مطر جلوه‌هایی از نمادهای پایداری او را بیان نموده و آن‌ها را به رشته تحریر درآورد. عفیفی مطر در طول زندگیش تلاش نمود تا مردم را نسبت به مسایل سیاسی دوران خود آگاه کرده و روح مبارزه‌طلبی را در وجودشان بیدار کند تا آنان را علیه حاکمان مستبد تحریک نماید. حاکمیت استبداد و ظلم و ستم موجود در جامعه از عوامل اصلی بروز عناصر و جلوه‌های پایداری و استقامت در شعر اوست.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد تاکنون اثر مستقلی در این راستا به رشته تحریر در نیامده است. با این‌حال، آثاری به جنبه هایی دیگر از شعر عفیفی مطر پرداخته‌اند. پایان‌نامه‌ای با عنوان «تأثیر بلاغی معانی و مفاهیم قرآن بر شعر سه تن از شاعران معاصر(أمل دنقل، محمد عفیفی مطر و صلاح عبدالصبور)» نوشته سمیرا فراهانی به رشته تحریر در آمده است که نویسنده در این پژوهش به واکاوی مفاهیمی قرآنی در شعر مطر پرداخته است. همچنین مقالاتی با عناوین: «جمالیات التناص فی شعر عفیفی مطر» از دکتر احمد جبر شعث؛ «تحلیل انتقادی تناص دینی، قرآنی در شعر محمد عفیفی مطر» از مسعود اقبالی و علی سلیمی؛ «هنجارگریزی معنایی قرآن در شعر محمد عفیفی مطر» از ابراهیم اناری بزچلوئی و حسن مقیاسی و سمیرا فراهانی؛ «الحلم و الکیمیاء و الکتابة فی دیوان أنت و أحدها » از شاکر عبد الحمید؛ «الحیاة الثقافیة : اعتقال محمد عفیفی مطر: سلاما حیث أنت» از دکتر غالی شکری و نوری الجراح؛ «حریة محمد عفیفی مطر: حتی الشعراء» از احمد جودة و «قضیة: البحث عن محمد عفیفی مطر» از دکتر غالی شکری؛ و «سردیّة الأمکنة المغلقة فی شعر محمد عفیفی مطر المقبرة و المقهی نموذجاً» از شهریار همتی و حامد پورحشمتی، نگاشته شده است. در این آثار بیشتر به بازشناسی مفاهیم قرآنی در اثر عفیفی مطرپرداخته شده است. پژوهش حاضر، با تلاش متفاوت از نوشته‌های پیشین و به طور مشخص و با تکیه بر دیوان محمد عفیفی مطر تلاش نموده تا ضمن معرفی این شاعر و بررسی اشعار انقلابی او، به جلوه‌های گوناگون آزادگی و مقاومت، ظلم ستیزی و دفاع از وطن در اشعار این شاعر بپردازد.

www.SID.ir

Archive of SID

۱. نمادهای بصری

موتیف به درون‌مایه، شخصیت یا الگوی معیّنی از ادبیات گفته می‌شود که به صور گوناگون در هنر و ادبیات تکرار می‌شود(داد، ۱۳۸۳: ۸۵). موتیف، هسته اصلی برخی از متون ادبی را تشکیل می‌دهد. به دیگر سخن، نمادهای بصری، نمایان‌گر جهت‌گیری فکری نویسنده هستند. موتیف یکی از اصطلاحات رایج در هنر و ادب و همچنین علم و فن است. مهم‌ترین ویژگی آن تکرارشوندگی و برانگیزندگی آن است. در ادبیّات نیز کم و بیش همین ویژگی‌ها در اجزا و عناصر ادبی گوناگونی موتیف را شکل می‌دهند. در موتیف تکرار بیشتر لفظی است و موتیف در این تعریف در ساحت لفظی و تصویری متن حضور دارد و به این دلیل، هم حساسیّت‌برانگیزی آن در مخاطب افزون‌تر است و هم تشخیص آن در متن آسان‌تر است(تقوی و دهقان،۱۳۸۸: ۲۳). بنابراین کاربست موتیف فرصت بیشتری به شاعر برای ابراز احساست و آرمان‌ها قرار می‌دهد.

نمادهای بصری در شعر دارای کاربرد عاطفی هستند. کاربرد عاطفی موتیف این است که در برخورداری از درون مایه و محتوای شعر احساسات متفاوتی را در مخاطب ایجاد کند. شعر مقاومت و پایداری به خاطر خاستگاهش، شعری بسیار عاطفی است لذا صرف نظر از مفهوم‌گرایی ذاتی ان، غالباً عاطفه در آن بر تخیل و اندیشه غلبه دارد(صرفی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۷). کاربرد دیگر نمادهای بصری در شعر ایجاد تصویر و خیال‌انگیزی است. نمادهای بصری از طریق معنای استعاری و مجازی که ایجاد می‌کنند علاوه بر زیبایی به نوعی ابهام هنری نیز کمک می‌کنند که این امر به حسن تأثیر مخاطب بر درک محتوا می‌افزاید. اساساً چون بنیاد شعر بر تخیّل و صورت‌های خیال انگیز استوار است نمادهای بصری در شعر نقشی زیبایی‌شناسانه و ابهامی هنرمندانه ایجاد می‌کنند تا رسالت یک شعر در ایجاد تخیّل هنری به کمال برسد(فتوحی، ۱۳۸۷: ۲۷). با این تفاسیر می‌توان گفت که موتیف ها با به نمایش گذارندن توأمان احساس و اندیشه دارای قدرت بسیار زیادی در اثرگذاری اجتماعی هستند و همین مسئله حاکی از این است که شعر معاصر متناسب با دغدغه‌های از این ابزار قدرتمند برای دستیابی به اهداف خود بهره می‌جوید.

۲. محمد عفیفی مطر و سبک شعری او

محمد عفیفی مطر، شاعر مشهور مصر در روستای «رملة الانجب» در استان المنوفیة در سال ۱۹۳۵م، به دنیا آمد. او تحصیلاتش را در رشته فلسفه ادامه داد و به عنوان معلّم در مصر به کار مشغول شد. وی از مخالفان سرسخت انور سادات، رییس جمهور اسبق مصر بود و به همین دلیل مجبور شد تا پایان دهه هفتاد میلادی در عراق در تبعید به سر برد. او در سال ۱۹۹۱م، به دلیل مخالفت با جنگ عراق در مصر بازداشت و روانه زندان شد. وی سرانجام در سال ۲۰۱۰م. در سن ۷۵ سالگی به دلیل نارسایی کبدی در زادگاهش چشم از جهان فرو بست(اقبالی و سلیمی، ۱۳۹۱ : ۶۶). عفیف مطر از شاعران پیشرو مصری است و موضوع شعرش او باید گفت، کل جهان از دیدگاه او به طور گسترده‌ای در اشعارش انعکاس دارد. شعر او پر از حرکت و اشارات، با استفاده مختصر از تصاویر سورئالیستی است(بردبار، ۱۳۷۱: ۱۲۸). عفیفی مطر از اسلوبی مخاطره‌آمیز در اشعارش استفاده کرده است، اسلوبی که برای آزادیِ زیباییِ لغت از جهتی و آزادی احساس از جهتی دیگر تلاش داشته است. در تمرین این آزادیِ زیبایی، شعرِ سلطه، دگرگونیِ با نشاطِ پاک را تمرین می‌کند که استوار بر قانون آفریدگار، میان نفی و اثبات است. منظور از نفی، قدرت شعری بر «نفی منظم» برای ساختنِ لغتی استاندارد است(سالم، ۲۰۰۷ : ۱۲۸). محمدعفیفی مطر شاعری از بزرگترین و نیرومندترین شاعران معاصر عرب و صاحب نیروی شعری عالی و مدرسه شعری منحصر به فرد است که از میراث فرهنگی و انسانی عمیق

www.SID.ir

Archive of SID

بیرون می‌آید و نوآوری را در افق های نادر و کمیاب می‌گشاید(العالم ،۱۴۱۱ :۱۶). مطالعه سبک شعری عفیفی مطر نشان می‌دهد که در دوره معاصرّ مصر، بخشی از اشعار شاعران دارای این سبک و مضامین ویژه است. شعر عربی معاصر نشان می‌دهد که جنبشی گسترده از هر سو آن را احاطه کرده است. این جنبش را شعرای مصر نوین به رهبری بارودی آغاز کردند. این جنبش در شکل کلی، شورشی علیه قدیم نیست بلکه به شدت به آن وابسته است، زیرا شاعران شعر عربی را به همان رونقی که در عصر عباسی داشت، باز گرداندند و شعر سخیفی را که در عصر عثمانی نزد مصریان دیده می‌شد، رها کردند؛ زیرا شعر آن‌ها نیز بد و نازل بود و سعی کردند شعر خود را به افق‌های بلند ارتقا دهند. جنبش هنری در شعر مصری معاصر جنبشی احیاگر و تجدیدکننده بوده است و حافظ به حق می‌گوید: آنَ یا شِعرُ أن نَفُکَّ قُیُوداً قَیَّدَتنا بها دُعاةُ المحالِ(ضیف، ۱۳۸۴ : ۵۱۳). شعر معاصر در روند تأثیرپذیری از غرب و وفاداری به سنّت دو رویکرد متضاد یافته بود. رویکردی که به گذشته نظر داشت و رویکردی که به تجدّد و نوسازی تمایل نشان می‌داد. نمایندگان رویکرد دوّم، بدر شاکر السیّاب، أدونیس و نازک الملائکهٔ بودند(سیدی، ۱۳۸۹ : مقدّمه).

رویکرد نخست که به احیای سنّت کلاسیک و نظام عروضی خلیل گرایش داشت، با احمد شوقی به اوج خود رسید. البته شوقی را می‌توان نئوکلاسیک نامید، زیرا در بیان و موضوع به مسایل جدید گرایش داشت. در دهه دوم و سوم قرن بیستم شعر عربی، خود را با کاروان شعر جهانی همگام ساخت و ناگزیر می‌بایست از تجربه‌ی شعری غرب استفاده کند. روند تقلید از شعر غربی ادامه داشت تا این‌که گروهی موسوم به گروه «مهجر شمالی» که در امریکای شمالی می‌زیستند و به مکتب رمانتیسم وابسته بودند، توانستند با ادبیات جدید غرب تعاملی آزادانه بورزند. آن‌ها دریافتند که باید نوآوری بزرگی در موضع‌گیری، اسلوب، شکل و مضمون و بالاتر از همه تغییر در احساس شعری بوجود آید. به وسیله گروه «مهجر شمالی»، بویژه جبران و رمانتیست‌ها، تغییر اساسی در شعر معاصر عرب به وجود آمد. رمانتیسم جهان تازه‌ای را با غلبه عاطفه و خیال بر دیگر عناصر شعر برای شاعران عرب گشود(سیدی، ۱۳۸۹ : ۲۳). بنیان تمامی این تلاش‌ها، این اندیشه است که شعر باید صورتی پویا و زنده و همسو با روزگار خویش داشته باشد. این اعتقاد نه تنها نیاز به تغییر و دگرگونی در مضمون شعر را می‌طلبد، بلکه نیازمند تحول در صورت و ساختار نیز بود. چون پایبندی به وزن و آهنگ و قافیه می‌تواند به مضمون شعر آسیب برساند و با احساسات درونی شاعر همسویی چندانی نداشته باشد. گویی شاعر در صدد آن است که خود را از اقتدار و سیطره شکل غالب رها سازد و امکان گسترش عبارات را با موسیقی متناسب با آن از آغاز فراهم آورد. مشهور است که پیشاهنگان عراقی شعر نو، یعنی نازک‌الملائکه، سیّاب و بیاتی، با تأثیرپذیری از شعر انگلیسی، پیامبران این نهضت بودند(عبّاس ، ۱۹۷۸: ۱۴). عفیفی مطر در شعر خود بیشتر به شاعران لبنان در نیمه دوم قرن بیستم از جمله آدونیس گرایش داشت. ردپای شعر قدیم عرب، نوشته‌های عارفانه و فلسفی نیز در اشعار او دیده می‌شود. کاربست این مضامین و شاخصه‌ها در واژگان زبانی و استفاده از طبیعت مصر و زندگی روستایی در کنار آن‌ها، اثر او را منحصر به فرد ساخته است (بدرنصار، ۲۰۱۰: ۶). با این تفاسیر محمد عفیفی مطر در سبک شعری خود دنبال رو نهضتی جدید شد که در شعر معاصر عرب به وجود آمده بود. سبک برای بیان اهداف و احساسات شاعر نست به تحولات زمانه نوعی آزادی در سبک را برگزیده بود.

از دیگر ویژگی‌های بارز شعر محمد عفیفی مطر، کاربست آیات و مفاهیم قرآنی در اشعار اوست. او جنبه‌های ادبی آیات را با متون شعری خود در هم آمیخته و تصاویری بدیع، فراروی مخاطب خویش قرار می‌دهد. او نیز مانند بسیاری از شاعران گذشته و معاصر با الهام‌گیری از ساختار و ظرافت‌های به کار رفته در بافت روایی قرآن و نیز متأثر از حافظه‌ی ذهنی خود، در سرودن اشعار خویش در تعامل و ارتباط مستقیم با قرآن کریم است. حضور گسترده آیات و واژگان قرآنی است از ویژگی‌ها دیوان شعر اوست(اناری بزچلوئی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۷). استفاده مطر از آیات قرآن، همسو با

www.SID.ir

Archive of SID

جریان‌های شعری معاصر و عناصر مسلط بر ساختار شعر جدید است. عبدون شک بخش عمده‌ای از این ویژگی مرهون باورهای مذهبی شاعر است. او از کودکی با قرآن مدنوس بود و استحکام آیات و ظرافت‌های ادبی آن را در خاطر خود داشته است و با پیوند کلام خود با کلام الهی به سخنان خود عمق و قوت بخشیده است(همان، ۷۲). این مسئله یادآور این نکته است که مذهب همواره قابلیت کاربست به عنوان یک ایدئولوژی پویا را دارا است. این رویکرد عفیفی مطرح در آفرینش نمادهای بصری در اشعارش تأثیرگذار بوده است.

بینامتنی قرآنی، دینی و عرفانی در اشعار عفیفی مطر و در دوران عمرش با گذر زمان افزایش یافت. اوج آن‌ها به سالهای دهه۷۰ و اواسط دهه ۹۰ باز می‌گردد که بیش از ۵۰ درصد از دیوان هایش را در بر می‌گیرد. این امر نشان دهنده توجه و عنایت خاص شاعر به منابع قدیم است. به‌طوری‌که بینامتنی با متون کهن، یکی از ویژگی‌های با اهمیت در گفتمان شعری او به شمار میرود به گونه‌ای که فهم معانی و ساختارهای شعری او جز از طریق فهم تناص در اشعارش میسر نیست. باید به این نکته اشاره داشت که تناص عفیفی مطر در چنیدین زمینه صورت گرفته است که قرآن کریم، مفاهیم عرفانی و صوفیانه، اشعار قدیم عربی و شعر لورکا از جمله آن‌ها است(اقبالی و سلیمی،۱۳۹۱: ۶۵-۶۶).

۳.مفهوم آزادگی

یکی از مفاهیم مهم که به عنوان یک کمال و فضیلت انسانی شناخته می‌شود و در مراتب عالی بندگی و سلوک معنوی حاصل خواهد شد مفهوم آزادگی است. زمانی انسان به حریت و آزادگی میرسد که مراتب عالی سلوک را طی کرده از بند نفس و تعلقات مادی کاملاً رها شده باشد. آزادی بشر در مقایسه با آزادی خداوند که آزادی مطلق است قید محسوب و در محدده قدرت و اختیار محدود انسان تعریف می‌شود. اما وقتی بشر از طریق بندگی خداوند از رقیت و قید و بند مخلوق و غیره رها شد، می‌توان گفت او به آزادی و به معنی حقیقی تحقق بخشیده و به مرتبه ای از آزادی الهی که افتقار کامل به حق و غنی مطلق حقیقی تحقق بخشیده و به مرتبه‌ای از آزادی الهی تمثل و تقرب یافته است. بنابراین وقتی انسان تنها به خداوند افتقار جست و غنی باللهله فانی شد، از خود و ماسوی‌الله فانی و به حق باقی شد، به حریت که بالاترین سطح آزادی نزد مخلوق است می‌رسد. انسانی که با مبارزه با نفس، اخلاص عمل و قطع جمیع علایق و مرادات و قبول قیومیت و ولایت خداوند به مقام حریت راه یافته باشد، از خصوصیات ویژه کمال یافته انسانی و اخلاق ربانی برخوردار است. وجودش در جامعه مدار پرورش روحیه فتوت و آزاد مردی و کمالات انسانی است(سلیمانی، ملامحمدی، ۱۳۹۷: ۶۵۳). با این تفاسیر مفهوم آزادگی به متعلق به مرحله‌ای سلوک انسان اطلاق میگردد که زمینه را برای رشد و تکامل حیات فردی و اجتماعی او فراهم می‌سازد.

پیرامون راز و رمز دستیابی به آزادگی دیدگاه‌های مختلفی موجود است. انسان اگر بخواهد به آزادی حقیقی دست یابد، باید که بنده باشد، آن هم بنده خالص خدا که در اصطلاح عرفان به آن بنده آزادی گویند. این بندگی برخلاف بندگی مخلوق که با اسارات و بردگی همراه است، حریت و آزادگی را در پی دارد. قشیری به نقل از رقاق در این باره می‌گوید« هر که در دنیا آزاد بود، از بندگی او آزاد بود(قشیری، ۱۳۷۹: ۳۴۲). این دیدگاه که برخاسته از اندیش اسلامی و انگاره‌های عرفانی است آزادگی را تمثیلی از رهایی انسان می‌داند. در هر جامعه برای نشان دادن و انتقال عناصر این

www.SID.ir

Archive of SID

آزادگی ابزارهایی وجود دارد که از آن میان می‌توان به آثار هنری و ادبی و تاریخی اشاره کرد. این آثار از طریق انتقال این نمادها نقش مهمی در سیر تکوینی جوامع بشری و حفاظت از اصول مورد نظر هر جامعه دارند.

۴.نمادهای بصری آزادگی در شعر محمد عفیفی مطر

نمادهای بصری بخش قابل ملاحظه‌ای از نمادهای موجود در جوامع بشری را تشکیل می‌دهد. نمادها در معناشناسی گاه با کارکردهایی زمینه‌ساز ایجاد تحول فردی و اجتماعی می‌شوند. این نمادها در آثار ادبی و هنری قابل مشاهده است. برخی از نمادی بصری ارتباط نزدیکی با مذهب و خدایان در هر دوره دارند. البته تصاویر خلق شده بر پایه مفهوم و جوهر درونی اشیاء و پدیده‌ها و نه براساس شکل ظاهری آن‌ها استوار است. یک نماد در سیر و تحول و تطور خود بسیاری از معانی و مفاهیم را به خود می‌گیرد و تکامل می‌یابد. در بررسی نمادهای یک قوم به ناچار باید به گذشته بازگشت(گدار، ۱۳۵۸: ۱۳). با این تفاسیر باید گفت نمادهای بصری به عنوان گروهی مهم در نمادهای موجود در یک جامعه علی‌رغم این‌که می‌تواند عامل وحدت بخش و هویت‌بخش یک جامعه باشد، قادر به انتقال مفاهیم مهم از لابه‌لای آثاری است که این نمادها در آن به چشم می‌خورد. ادبیات و شعر یکی از جلوه‌گاه‌های بروز نمادهای بصری محسوب می‌شوند و به علت بار احساسی و انگزیشی که دارا هستند دارای اهمیت ویژه‌ای در انتقال مفاهیم بصری هستند.

۱،۴. وطن دوستی و پایداری

در بسیاری از جوامع در جریان مبارزه با ظلم و استعمار در حالت خفقان سیاسی، دیوار نوشته‌ها که به علت ویزگی‌های خاص خود در ملاء عام بودن، دسترسی سریع یکی از اولین جلوه‌های مبارزه بوده است. عفیفی مطر این سبک مبارزه را در شعر خود به تصویر کشیده است که هم نوعی انعکاس سبک مبارزه در این دوره است و هم نوعی تشویق برای ترویج این نوع مبارزه محسوب می‌شود. او در قطعه‌ای از شعر خود در این بار آورده است:

«نداءاتٌ على الجدرانِ لم تقَشّرها الاظافرُ و لم يَغسلها المطر» (عفیفی مطر، احتفالات المومیاء المتوحشة ، ۱۹۹۸ : ۱۲۰).

پیام‌های روی دیوار را، ناخن‌ها نتراشیدند، و باران‌ها نشسته‌اند. عفیفی مطر پیام‌های نوشته شده روی دیوارها را نشانه وطن‌دوستی مردم کشورش می‌دانست که حتی ناخن‌ها هم نمی‌توانند آن‌ها را بخراشند و آب باران نیز قادر به از بین بردن آن‌ها نیست. او آن‌ها را حقایقی می‌داند که از عمق وجود مردم برخواسته است. در طول تاریخ، با توجه به اینکه ناآگاهی و غفلت یک ملت، زمینه‌ساز نظام استبدادی و حاکمیت ستمگران بر آن‌ها بوده است، لذا عفیفی مطر حاکمان مستبد سرزمینش را که با استفاده از تکنولوژی مدرن (قطار شتابان)، مشغول ظلم و ستم مردم هستند را بر حذر می‌دارد، برای اینکه مردم سرزمینش ایستگاه‌های زمینی بیدار و آگاه می‌داند.

«فلتختبیء یاقطاراً یهرولُ فی الحلمِ، فالأرضُ مَکشوفةٌ و المحطاتُ مفتوحةٌ تحت ضوء السفر / اختبیء فالإقامةُ مأهولةٌ بوحوش القرابة والألفةِ الناعمة./ جسد للعشیرة، أعضاؤه انفَرَطَت/ کالعناقید فی ورق الملصقات- الأفیشات- وهجِ النیون المشاکسِ./ تَنَفَّسَت حقائبُ الوطن، یالله،/ هل یملک کلَّ هذه الملابس الداخلیة؟! وبعثرها فی الریح، فهل کل هذه الألوان من/ شمس واحدة؟!/ وغربت الشمسُ فکلُّ طریقٍ صباحٌ وکل صباحٍ طریق.» (عفیفی مطر ، احتفالات المومیاء المتوحشة ، ۱۹۹۸ : ۱۲۲-۱۲۱).

www.SID.ir

Archive of SID

پس پنهان شو ای قطار شتابان در رؤیا / که ایستگاه‌های زمینی پیدایند و در زیر نور سفرها عریان / پنهان شو، که اقامتگاه مملو از وحشت خویشاوندی و الفت نرم و نازک است !/ پاره‌های تن عشیره پراکنده است / چون خوشه‌ها در پوسترها- پلاکاردها - و نور مزاحم نئون.../ جامه‌دان‌های وطن نفس تازه کرده‌اند، خدای من/ وطن این همه لباس زیر دارد؟!/ لباس‌هایی رنگی که در باد پراکنده شده‌اند، آیا این همه رنگ از یک خورشید است؟/ و حال که خورشید رفته است پس هر راهی به صبحی است و هر صبحی به راهی.

کاربست واژه قطار به عنوان نماد مدرنیسم و استعمار در نگاه شاعر نوعی موتیف واژگانی است. شاعر در وصف سرزمینش، آن را ساخته شده از گوشت و پوست هم وطنانش می‌داند و این نهایت ترسیم ملموس و بصری از میهن و میهن‌پرستی است.

وطنُ السِّر الّذی یطلعُ منی/ خُطوتی تاریخُهُ/ رأسی فَضَا أنجمِهِ/ لَحمی علاماتُ التُّخوم/

و .. أمُدُّ الجِسرَ حتّی یَقتُلونی (عفیفی مطر، احتفالات المومیاء المتوحشة ، ۱۹۹۸ : ۲۵).

رازِ سرزمینی را، که من ساخته‌ام / قدمهایم ، تاریخِ آن است / سَرَم ، فضای ستارگانش است / گوشتم، علامت‌هایِ حد و مرز آن است / .. پُلِ آن را امتداد می‌دهم تا بکُشند مرا.

عفیفی مطر برای نشان دادن شدت عشق و علاقه خود به میهنش، آن را نزدیکتر از جانش دانسته و آب‌های خروشانش را، خون‌های هم میهنانش می‌داند.

هل قلتُ إنّ الأرضَ أقربُ مِن دَمی ،/ إنّ الدّمَ الفوّارَ طَمیٌ مِن خَرائطها/

و مَشویٌّ مِن القِرمیدِ یَدفُقُ بِالسُّلالاتِ القدیمةِ/و الرُّفاتُ مِن الخرائبِ ؟! (عفیفی مطر، احتفالات المومیاء المتوحشة ، ۱۹۹۸ : ۱۹۶).

آیا گفتم زمین، نزدیک‌تر از خونم است / خونِ جوشان، لبریز شده است از نقشه‌های جغرافیائیش / و آجرهای پخته شده، سرازیر می‌شوند از خاندان قدیمی / و استخوان های مرده از ویرانه‌ها /

عفیفی مطر که از کودکی با قرآن مأنوس بوده، با پیوند کلام خود به کلام الهی به سخنان خود عمق و قوت می‌بخشد و کشورش را که در اختیار حاکمان ظالم و مستبد افتاده ، کشور گم شده می‌داند و خواستار باز پس گرفته شدن آن است تا احکام الهی در آن جاری گردد.

الأرضُ مَملکتی الضائعةُ / الأرضُ مَملکتی المُستعادةُ / الأرضُ ضَلّةُ روحی و عِصیانُها / الأرضُ سَجّادةٌ لِلعبادةِ (عفیفی مطر ، ملامح من الوجه الأمبیذوقلیسی، [۱] ۱۹۹۸ :۶۱).

۱- امپدوکلس empedocles (۴۳۰ – ۴۹۰ ق م) «فیلسوف و شاعر یونانی»
«امپدوکلس» در «آکراگاس» واقع در «سیسیل» چشم به جهان گشود و با خلق اثر مشهور تحت عنوان «درباره‌ی طبیعت»، خاک، آب، هوا و آتش را به عنوان چهار عنصر اساسی معرفی کرد و این عقیده برای دو هزار سال معتبر باقی

www.SID.ir

Archive of SID

ماند(قربانی، ۱۳۸۲ : ۱۴۷). زمین، کشورِ گمشده من است / زمین ، کشورِ باز پس گرفته شده من است / زمین، مایه سرگشتگی و عصیان من است / زمین، سجّاده ای است برای عبادت .

۲،۴. ظلم ستیزی و سکوت نکردن در برابر ظلم

مسئله مبارزه با ظلم و ظلمت از دیرباز کی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع بشری بوده است. مقارن با انحصاری شدن قدرت در درست نیروهای شر و استبدادی، مسئله ایجاد رعب و خفقان و سرکوب در جامعه مطرح می‌گردد. مقابله با این وضعیت نامناسب وازه پایداری را در ذهن و روح انسان حق طلب ایجاد می‌کند. لذا باید گفن مبارزه با ظلم و پایداری ریشه در میراث کهن بشری دارد. همیشه سکوت انسان‌های بیدار و آگاه در برابر ظلم و ستم، باعث تداوم ظلم و جور حاکمان مستبد گردیده است. به همین جهت عفیفی مطر سکوت در برابر ظلم و ستم را، با مرگ یکی می‌داند. انعکاس این پیام در قالب واژهای شورانگیز در جای خود نوعی فراخوان برای مبارزه با ظلم بوده است. یکی از موارد ظلم‌ستیزی مطر مخالفت او با جنگ عراق بود. نیروهای مصری، عفیفی مطر را به دلیل مخالفت با جنگ عراق دستگیر کردند، برای اینکه او مخالف ویرانی و نابودی سپاه و ملتِ عراق بود و مخالف دخالتِ آشکار نیروهای آمریکایی در منطقه بود. عفیفی مطر مخالف شکنجه وحشیانه دستگاه‌های امنیتی بود که همیشه ضد این ملت و ضد بلند پروازی‌ها و نوآوری‌ها و ارزش و تاریخ و فرهنگش بود. او این باور خود را در اشعارش به طریق واژه‌ها به تصویر کشیده است:

لَقد وُلِدتُ مَیتاً / و نُفِخَتْ فی صورتی الفصولُ/ و غُسِلَت مَلامِحی بِالجوعِ و الحُقولُ

فَجِئتُکم لِکَی أقولُ / أو أموتُ لو ظَلَلتُ صامِتاً .. (عفیفی مطر ، ملامح من الوجه الأمبیذوقلیسی ، ۱۹۹۸ :۲۲)

مرده به دنیا آمدم/ و فصل‌ها دمیده شد در چهره‌ام/ و خطوط چهره‌ام و دشت‌ها با گرسنگی شسته شد و آمده‌ام تا بگویم/ می‌میرم اگر سکوت کنم .../

سرانجام، انسان‌های ستم دیده، که از جور و ستم حاکمان زمانه‌ی خود به ستوه آمده‌اند، به پا می‌خیزند و از درگیری با رژیم ظالم و مستبد، حمامِ خون، به راه می‌افتد. عفیفی مطر در این شعر باور قلبی خود به مقاومت را ترسیم کرده است. به دیگر سخن کاربست جمله «می‌میرم اگر سکوت کنم»، تلاش شاعر برای ترسیم آرمان‌های شعری اوست.

و أنا فَزّاعَةُ الطیرِ بارضِ الفقراءْ / کنتُ فی قلبِ العَراءْ / مُستَحماً بِعِراکِ الطّیرِ فی الرّیحِ(عفیفی مطر ، احتفالات المومیاء المتوحشة ، ۱۹۹۸ : ۲۷)

و من مترسکِ پرنده‌ای بودم در سرزمین گرسنگان / در دل برهنگی / در میان نبرد پرندگان در دل باد حمام خونی راه افتاد.

در طول تاریخ انسان‌هایی وجود دارند که علی‌رغم اینکه خواستار افشای ظلم و ستم حاکمان مستبد خود هستند، اما به دلیل ترس و یا تهدید و تطمیع سکوت اختیار می‌کنند. عفیفی مطر تحت تأثیر هیچکدام از این عوامل قرار نگرفته و فریاد گرفتار شدن کشور در دست حاکمان مستبد را سر داده است.

نادَیتُ لو أسمَعتُ أو بَلَّغتُ ../ ما کانَ امتدادُ النّهرِ فی طینِ الکلامْ / إلّا بِلاداً مِن دَمِ الصَّلصالِ، و الأرضُ / اِستَنامَت تحتَ بلورِ الظّلام / (عفیفی مطر، احتفالات المومیاء المتوحشة ، ۱۹۹۸ : ۱۷۶)

www.SID.ir

Archive of SID

فریاد زدم به امید آنکه به سمع و اطلاع کسی برسانم / امتدادِ رودخانه در سرشتِ سخن نبود، مگر سرزمینی از خون گِل خشک، و سرزمینی که زیر بلورِ تاریکی، تظاهر به خواب کرده است. او در این بخش از شعر خود سرزمین به تاریک خانه‌ای تشبیه کرده است که رسیدن به روشنایی در آن منوط به حرکت و مبارزه با ظلم در نهایت خود و مواجهه با مرگ در مسیر مبارزه است. بنابراین این شعر در عین حال که تجسم وضعیت بد جامعه مصر است سعی دارد مردم را برای مبارزه با ظلم تحریک و تشویق کند.

۳،۴. حضور بیگانگان در خاک میهن

یکی از مشکلات جدی کشور مصر در دوره معاصر، حضور استعمارگران در این کشور و نقش‌آفرینی در تحولات داخالی و خارجی آن بود. این مسئله سبب شده است تا مبارزه با استعمار تبدیل به یکی از مضامین شعری عفیفی مطر شود. او در قطعاتی از اشعار خود پیام‌هایی را برای استعمارگران و هم برای مردم بیان کرده است. شاعر اعتراض خود به حضور اشغالگران در سرزمینش را و بیرون رفتن آن‌ها را این‌گونه بیان می‌کند : کانَ المغنی یُغنّی : «اِمنَحوا وَجهَ هذا الحَجَرِ / قَداسةَ خُطواتِکم و اخرُجوا .. / و اکتُبوا وَطناً یَتَفَتَّقُ کَالجُرحِ »(عفیفی مطر، من مجمرة البدایات، ۱۹۹۸ : ۱۸۱).

آوازخوان آواز می‌خواند: ببخشید این آب و خاک را / قداست قدمهایتان را و خارج شوید .. / و بنویسید از وطنی که مانند زخم شکاف برداشت. بنابراین او ضمن اعتراض به حضور استعمارگران، از دیگر شاعران و مردم خواسته به این وضعیت واکنش نشان دهند. عفیفی مطر هیاهو و سر و صدای اشغالگران، و ترس و لرزی که از آن بر ملتش وارد شده است را این گونه در اشعارش بیان می‌کند:

یَسیرُ الجِسرُ تحتَ عباءةِ الظّلماتِ/ بَینَ قناطرِ الأصواتِ / یَسیرُ الماءُ فی القرْمیدِ ، یَهوی قطرةً قطرةً / فَیَجری صوتُهُ المجنونُ یَخمِشُ أوجَهَ الجدران / و نحنُ اثنانِ تحتَ قَناطرِ الأصواتِ یَرتَعشانِ / تَدوسُ حَوافرُ الأصواتِ وجهینا فَیَرتَعدانِ / (عفیفی مطر، من مجمرة البدایات ، ۱۹۹۸ : ۱۶۴).

راه می‌رود پل در شولای (خرقه‌ی) شب / میان پل‌های صداها / راه می‌رود آب، میان خشت‌ها و می‌چکد چکه چکه/ و صدای دیوانه‌اش، می‌رود و می‌خراشد چهره دیوارها را / و من و تو می‌لرزیم زیر پل‌های صداها / و له می‌کنند سم‌های صداها چهره ما دو نفر را / آن گاه چهره‌مان به لرزه می‌افتد.

۴،۴.زندان و تبعید

شاعر وضعیت زندگی خود در زندان را، در اشعارش آورده و از ندیدن نور و کثیف بودنِ سلولِ زندانش و تحمل سختی‌های آن می‌گوید و همین طور نپذیرفتن هدیه، برای سکوت در برابر اعمال ظالمانه ی رژیم مستبد کشورش را بیان می‌کند.

فی السِّجنِ .. لم یَشرُق عَلی قلبی نهار / تدمیریَ الیومیُّ لم یَترُک طریقًا لِلفِرار / زِنزانتی معروشةٌ بِالسّبعِ ، لم یُنصَب حوالیها جِدار / شُبّاکُها الرّیحُ الّتی لم تَغتَسِل فی البَحر ، / کونٌ یَرشَحُ الطّینَ المداریَّ العَبیر . / أمشی .. أشِمُ الطّینَ و

www.SID.ir

Archive of SID

العَطرَ المُمِیت / أمشی و لا تَهتَزُّ فی صدری عُروق / لا أسألُ القَومَ الصِّغار / رِفداً .. و لا ألقی التَّحایا فی الطّریق (عفیفی مطر، من مجمرة البدایات ، ۱۹۹۸ : ۱۴۷- ۱۴۸)

در زندان .. نتابید بر قلبم روز / نابودیِ روزانه، برایم راه فراری باقی نگذاشت / سلول زندانِ من، تختی است برای حیوان درنده، اطرافش، دیواری نصب نشده است / نرده پنجره اش، بادیست که غسل نکرده دریا،/ هستی، ترشح می کند خمیرمایه رایحه‌داری را / می‌روم .. می‌بویم گِل و عطرِ کُشنده‌ای را / می‌روم و نمی‌لرزد در سینه‌ام، رگ‌ها / نمی‌خواهم از قومِ کوچک / هدیه‌ای را .. و رها نمی‌کنم درود و سلام را در راه /

شاعر، به علت آزادیخواهی و مبارزه با رژیم فاسد و مستبد در کشورش، مورد تبعید قرار می‌گیرد و حال و روز خود را در مسیر تبعید و در تبعید بیان می‌کند:

جئتُ محمولاً عَلی نَقّالةِ الرَّعدَةِ و الخوفِ / و فی فوضَی الجَسد / کان خُبزُ النَّفی یَغلی ، / کانَت الصَّرخَةُ رِجلی و مکانی / فَتَمَشَّیتُ عَلی النَّهرِ / أرَی فوقَ مَرَایا سطحِهِ الرّاکِدِ وجهی(عفیفی مطر، احتفالات المومیاء المتوحشة ، ۱۹۹۸ : ۲۸)

با کشتیِ ترس و لرز آمدم / و در آشفتگی بدن / نانِ تبعید می‌جوشید، / فریاد پایم و جایم بود / در رودخانه حرکت کردم / می‌بینم در سطحِ راکدش، چهره‌ام را .

محمد عفیفی مطر تبعید شدن از وطن را به گرفتنِ کودک از شیر مادر تشبیه می‌کند که سرزمینش با افراد پست و فرومایه اشغال شده است:

بَینَنا نَهرٌ مِن الماءِ و نَهرٌ مِن مِساحاتِ الوجوهْ/ بَینَنا أرضٌ أمُومَةْ / و فِطامٍ، بَینَنا أرضُ الأذِلّاءِ المَهانینَ (عفیفی مطر، احتفالات المومیاء المتوحشة، ۱۹۹۸: ۲۹)

میانِ ما رودی است از آب و رودی است از سطوح چهره‌ها / میانِ ما سرزمینِ مادری است / و از شیر گرفتن کودک، میان ما، سرزمینِ افرادِ پست است.

شاعر از حال و روز خود در تبعید می‌گوید و رنجی را که در آن متحمل شده است بیان می‌کند و آرزوی مرگ می‌کند:

و أنا- آه من الکُره- أمُدُّ الجسرَ حتی یَقتُلونی / أجعَلُ النّهرَ دَماً یَلفِظُ أسماکَ الجَرائمْ / أرفَعُ القُمَّلَ و السّوسَ غمائمْ / أوّلی و أهاجِمْ / و أمُدُّ الجِسرَ حتّی یَقتُلونی عَلّنی أغسِلُ وجهی ،/ عَلّنی أبداً فی نَهر دَمی عُنْفُ السِّباحَةْ (عفیفی مطر، احتفالات المومیاء المتوحشة، ۱۹۹۸ : ۳۰).

و من، آه از نفرت و بیزاری – دراز می‌کنم پل را، بکُشند مرا / قرار می‌دهم رود را، مانند خونی که بیرون می‌اندازد ماهی‌هایِ جریمه شده را / به کنار می‌نهم شپش و بید را، همچون ابری / و روی بر می‌گردانم و حمله می‌کنم / و امتداد می‌دهم پُل را، تا بکُشند مرا./ بیمار کرد مرا، تا بشویم چهره‌ام را / بیمار کرد مرا همیشه، در جویبار خونم، شقاوت و خشونت شناست.

۵،۴. سرانجام حکومت ظالم

www.SID.ir

Archive of SID

خداوند در مسند عدالت نشسته و اجازه نخواهد داد که زورگویان بر مردم حکومت کنند، بنابراین آنان باید در انتظار عقوبت الهی باشند. سلطه‌گری و سلطه جویی و استعمار و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و منفعت‌طلب، بر خیل عظیم توده‌های محروم، سرانجام پایان می‌پذیرد و فرجامشان نیز مانند آغازشان، توأم با خفت و خواری است:

مَضَت حِقَبٌ لیس یَدری أوائلَها أو خَواتیمَها /أحدٌ غیرُ میراثِهِ مِن دمٍ ملکیٍّ و فطرتِهِ فی /
مُغالَبَةُ الموتِ بِالإرثِ أو فی غِلابِ السُّقوطِ عَن/ العَرش بِالنَّسلِ أو بِانتِشارِ مَلامحه فی /
السُّلالَةُ أو بِانتِقالِ الشَّرائعِ و الصَّولَجاناتِ فی / الخَلَفِ الوارثین/ و هم – واحداً واحداً – یَجلِسونَ عَلی العَرش، / یَحیَون، آخرهُم مثلُ أوَّلهم، / فإذا أزِفَت لحظةُ الموت ماتوا کأیِّهمو (عفیفی مطر، احتفالات المومیاء المتوحشة ، ۱۹۹۸ : ۱۶۶ - ۱۶۷). دورانِ طولانی، سپری شد، کسی سرّ آغاز و پایانش را نمی‌داند / غیر از میراثش از خون پادشاهی و طبیعتش، به خاطر ارث با مرگ ستیز می‌کند، یا در کشمکش با سقوط است از اوج، به خاطر ازدیاد نسل، یا به خاطر انتشارِ چهره ظاهرش در خاندان، یا به خاطر انتقال قوانین و چوکان‌ها به وارثان واقعی / و آنها – یکی یکی – می‌نشینند بر تخت/ زنده می‌باشند، پایانشان مانند آغازشان است (خواری و ذلت است) / پس هنگامی که لحظه مرگ، نزدیک شد، مُردند آن‌ها. کاربست مضامینی دینی در اینجا توسط شاعر نوعی نماد بصری ایجاد کرده است که قادر است پویند قدرمتندتری با خوانند برقرار سازد.

۶،۴.انتظار برای آزادی و نابودی ظلم و ستم

شاعر برای رهایی از ظلم و ستم حاکمان، امید به خداوند دارد و با اتحاد مردم و صبر و پایداری، انتظار آزادی و رهایی از دست سلطه‌گران را دارد:

فَهَل أملی لکِ و أمهِلُکِ الرّویدَ مِن شَبَقِ البَحر / و استِنامَةِ الأرضِ لِلأجسادِ الذّائبة !/
صُدوعٌ هی الأرحامُ المولّهة/ و رَجرَجَةُ الماءِ فِعلُ الذُّکورة / فأمهِلُک .. أسمَعُ فَوَرَانَ الأنسابِ /
و تَلاقُحَ الاختیاراتِ / و أملی لکِ .. (عفیفی مطر، احتفالات المومیاء المتوحشة ، ۱۹۹۸ : ۳۰۸).
به تو مهلت دهم ؟ مهلتی از جنس شهوت‌رانی دریا / و زمین که تظاهر به خواب می‌کند برای اجسادِ ذوب شونده ! / شکافها رحم‌های واله و سرگردانند / و لرزش و نوسانِ آب، کارِ مردانه است / مُهلت می‌دهم به تو .. می‌شنوم صدایِ جوششِ خویشاوندان را، / و یکی شدن انتخاب‌ها / به تو مهلت دهم ..

شاعر در انتظار نابودی حاکمان مستبد کشورش و طلوع خورشید بر سرزمینی عاری از ظلم و ستم می‌باشد و دین باره سروده است:
یا شَمسُ فَلتَطَّلِعی لی / یَومًا بِهذی المَدینه / یا بَحرُ هَیِّئ فِراری / فی المَوتِ أو فی السّفینة ..(عفیفی مطر، ملامح من الوجه الأمبیذوقلیسی ، ۱۹۹۸ :۳۱۰ - ۳۱۱).
ای خورشید، پس طلوع کن بر من / روزی در این شهر / ای دریا هموار کن فرار مرا / در مرگ یا در کشتی.

عفیفی مطر سرسخت بودن را یکی از راه‌های مقابله با دشمن میداند او از تسلیم ناپذیریش در برابر حاکمان مستبد کشورش سخن می‌گوید که هر چه از سوی سلطه‌گران ظالم مورد ظلم و ستم واقع شود، هرگز در برابر آن‌ها سرسازش فرو نخواهد آورد:

www.SID.ir

Archive of SID

لو جِئتُ فی عباءةِ الهزیمة / فأفسِحوا طریقی / لو نِمتُ فی مقبرتی القدیمة / مُکَفَّنا بِجامِدِ الدِّماء / و أخرَساً ، وِسادَتی الغناء / فَمَزِّقوا جُمجمتی / و خَوِّضوا فی رئتی / و صَلِّبونی مُثلَةً فی موسمِ البُروق / و لَطِّخوا وجهی بِطِینةٍ لئیمة / فإنّنی أقُومُ / مُضَرَّجَ القَصائد مغمغمًا بِما استَرَقتُ مِن دفاترِ القیامة / لو جِئتُ فی عَباءَةِ الهَزیمة / فلتَسقُطی یا أرضُ فی حِضنی / و لتَقطِفی مِن ظُلمَةِ العین / أزهارَکِ المَشئُومَة .. / (عفیفی مطر، من مجمرة البدایات ، ۱۹۹۸ : ۲۶۴).

آن‌گاه که در شولای شکست باز آیم / پس راهم را بگشایید / و چون در گورستان قدیمی خویش آرام گیرم / کفن پوشِ خون‌های لخته / گنگ و دو فرو بسته، ترانه باشد بالشم / جمجمه‌ام را بشکافید / و در ریه‌هایم فرو روید / و مرا در موسم آذرخش‌ها / مثله مصلوب سازید / و چهره‌ام را / با گلی پلید آغشته کنید / من بر می‌خیزم / فریاد خواهم زد چکامه‌های خون آلودی را که ربوده‌ام از اسفار رستاخیز / آنگاه که در شولای شکست باز آیم / پس ای زمین ، در آغوشم هبوط کن / و بچین از ظلمت چشم ها / گل‌های شومت را. بنابراین عفیفی مطر در شعر خود کوشیده است تا به موازات ترسیم شرایط سیاسی و اجتماعی مصر، مشکلات داخلی و خارجی، نوعی پیام آور مبارزه و پایداری در برابر این وضعیت باشد. این شعر نیز مجدد شاعر با تکیه بر مضامینی دینی به آفرینش اثر ادبی خود پرداخته است و مخاطبِ مذهبی با این متوتیف‌ها یا مضامین مذهبی به راحتی ارتباط برقرار می‌کند و انگیزه‌های دینی در ایجاد مقاومت و پایداری در برابر ظلم نقش قدرتمندی می‌یابند.

نتیجه‌گیری

شعر و مضامین موجود در آن قدرت منحصر به فردی در انتقال انگاره‌های سیاسی و فرهنگی مختلف دارند. از این رو بسیاری از شاعران در انجام این رسالت اجتماعی در شعر خود کوشیده‌اند. بررسی مضامین اشعار محمد عفیفی مطر نشان می‌دهد که آزادگی و مبارزه با ظلم دغدغه اصلی شاعر است. این شاعر مصری با در اختیاز گرفتن اصلوب شعر نو، کوشیده تا فارغ از التزام و انحصار شعر سنتی، اهداف و آرمان‌های خود را به تصویر بکشد. مردم را تشویق به مبارزه و آگاهی کند. حاکمیت استبداد و گسترش ظلم و بی‌عدالتی از عوامل اصلی بروز عناصر و جلوه‌های پایداری در شعر محمد عفیفی مطر است. او که از دوران کودکی با قرآن مأنوس بوده بر اساس آموزه‌های الهی، عدالت‌خواهی و ستم ستیزی، از جلوه‌های نمادین استبدادستیزی در شعرش می‌باشد و آزادیخواهی و پایداری در برابر ظلم در اشعارش بسامد بالایی دارد. از مؤلفه‌های جلوه‌های پایداری در اشعار وی م توان وطن‌دوستی، عدم سکوت در برابر ظلم، خروج اشغالگران از وطن، امید به پیروزی و آزادی و نابودی ظلم و ستم ، و ... را بیان نمود. عفیفی مطر معتقد است که ناآگاهی و سکوت مردم، زمینه‌ساز نظام استبدادی گردیده و باعث تداوم ظلم و جور حاکمان ستمگر می‌شود اما از آنجایی که خداوند در مسند عدالت نشسته، گیرنده حق مظلومان و هلاک‌کننده‌ی ظالمان است به گونه‌ای که عذاب ظالم، مرهمی برای دل مظلوم خواهد شد. بنابراین بخشی از مفاهیمی که عفیفی مطر برای انتقال مفاهیم مورد نظر خود برگزیده است، مفاهیم بر گرفته از قرآن و فرهنگ اسلامی است. تمسک به مذهب در برابر ظلم و تمسک به فرهنگ مذهبی در برابر فرهنگ غربی شیوه‌ای است که عفیفی مطر برگزیده است.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع و مآخذ:

کتاب‌ها:

بدرنصار، احمد. (۲۰۱۰). المثقون: عفیفی مطر رائد حرکه الشعر الاقلیمی فی مصر بلامنازع، القاهره: مکتب الریاض.

داد، سیما. (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات ادبی (چاپ دوم). تهران: مروارید.

سالم، حلمی. (۲۰۰۷). دراسات فی شعر محمد عفیفی مطر و مختارات، القاهرة، المجلس الأعلی للثقافة.

سیدی، سیدحسن. (۱۳۸۹). کارکرد سنت در شعر معاصر عرب. مشهد: دانشگاه فردوسی.

شکری، غالی. (۱۳۶۶). ادب مقاومت. ترجمه محمد حسین روحانی، تهران: نشر نو.

ضیف، شوقی. (۱۳۸۴). هنر و سبک‌های شعر عربی. ترجمه مرضیه‌آباد، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

عبّاس، احسان. (۱۹۷۸). إتّجاهات الشعر العربی المعاصر، کویت: عالم المعرفة.

عفیفی مطر، محمد. (۱۹۹۸). احتفالات المومیاء المتوحشة، القاهرة: دارالشروق.

عفیفی مطر، محمد. (۱۹۹۸). من مجمرة البدایات. القاهرة: دارالشروق.

فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: انتشارات علمی.

قربانی، سروش. (۱۳۸۲). دایرةالمعارف مشاهیر جهان، تهران(چاپ پنجم). تهران:انتشارات پرتو.

قشیری، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). شرح رساله قشیریه. ترجمه حسین شهبازی، تهران: زوار.

کنفانی، غسان. (۱۳۶۵). نگاهی به ادبیات صهیونیسم. ترجمه موسی بیدج، تهران: انتشارات برگ.

گدار، آندره. (۱۳۵۸). هنر ایران. تهران: آستان قدس رضوی.

مقالات:

اقبالی، مسعود؛ سلیمی، علی. (۱۳۹۱). "تحلیل انتقادی تناص دینی، قرآنی در شعر محمد عفیفی مطر". مجله نقد ادب معاصر عربی شماره۳، ۷۴-۶۵.

العالم، محمود امین. (۱۴۱۱). «معلقات » محمد عفیفی مطر»، شماره ۶، ۴.

امیری خراسانی، احمد؛ هدایتی، فاطمه. (۱۳۹۰). "ادبیات پایداری؛ تعاریف و حدود". نشریه ادبیات پایداری، شماره ۱۰، ۱.

اناری بزچلوئی، ابراهیم؛ مقیاسی، حسن و فراهانی، سمیرا. (۱۳۹۱). "هنجارگریزی معنایی قرآن در شعر محمد عفیفی مطر". مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیّات عربی، شماره۲۵، ۷۷=۴۷.

بردبار، محمد حسن. (۱۳۷۱). «کِلک»، شماره ۳۲، ۴.

تقوی، محمد؛ دهقان، الهام. (۱۳۸۸). "موتیف چیست و چگونه شکل می‌گیرد؟". فصلنامه تخصصی نقد ادبی، شماره۸، ۳۱-۷.

سلیمانی، اسماعیل؛ ملامحمدی. (۱۳۹۷). "حریت یا آزادی در مفهوم دینی و عرفانی". فلسفه دین، شماره۳، ۶۷۵-۶۵۳.

صرفی، محمدرضا؛ مدبری، مدبری و علی‌نژاد، ملیحه. (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی انواع موتیف و کارکردهای آن در آثار بلقیس سلیمانی، ش۴۱، ۲۴۴-۲۲۵.

www.SID.ir